

اینک بهار است

و بهار نقد زمستان!

محمد رضا سنگری

شب، درنگ گاه خوبی است تا ضمن نقد خویشتن، از خود بپرسیم با امانت خدا - دانش آموز - چه کرده‌ایم؟ با درس‌ها و فرصت شیرین و عزیز و شتابناک کلاس چگونه معامله کرده‌ایم؟ با «زمان» خویش چه کرده‌ایم؟ آیا از این بهتر می‌توانیم باشیم؟ آیا روش و دانش و کنش و منش ما نیازمند بازسازی و حتی بازآفرینی نیست؟

آیا سلوک و سیرت و سیر معلمانه ما می‌تواند یک گام پیش‌تر بگذارد یا یک پله فراتر بایستد؟ اگر آری، چگونه؟ اگر تشنه‌ترین و رساترین حنجره جهان - حسین (ع) - علم به حقایق فنون نظر را شرط و نشانه عالم بودن می‌داند و راهیابی به آرای دیگران را گواه «صاحب‌نظری»، چرا لیبیک‌گوی او نباشیم؟ دبیر ادبیات چگونه می‌تواند رهپوی این راه روشن باشد؟ به نظر نمی‌رسد پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها دشوار باشد و دسترسی به این آفاق ناممکن؛ همت می‌خواهد تا بدرقه این راه شود و عزمی که با «نقد خویش»، از خویش بیرون بزند و دیگر شود، که عارفان خوب گفته‌اند: حُطُوتان و قد و صَلَّتْ؛ دو گام است، آن‌گاه رسیدی؛ گامی از خویش بیرون زدن و گامی به سوی مقصد عالی؛ البته:

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید

هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند^۱

اینک بهار است و بهار نقد زمستان! بهار فرصت نقد خویشتن است مثل درختان نقاد که با فروریختن برگ‌های کهنه، لباس تازه می‌پوشند و شکفتنی دوباره را آغاز می‌کنند. بهار است و فصل تحول و «محول الحول و الاحوال» بهترین «حال» را برای جهان رقم می‌زند و مگر قرار نیست ما صغفاله - رنگ خدا - بگیریم؟ چرا ما چنین نباشیم و نشویم؟ بهترین حال و قال و مآل زاد راه بهار تان باد.

پی‌نوشت‌ها

۱. فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ترجمه علی مؤیدی، نشر مشرقین و معروف، قم، چاپ چهارم ۱۳۸۱، ص ۸۰۴. حافظ

نقد، نردبان کمال است؛ بالی است که نقاد به رفتار و گفتار می‌بخشد تا افق‌های والاتری را زیر چتر خویش بگیرد. نقدهای عالمانه، یعنی گشودن پنجره‌هایی برای تماشایی فراخ‌تر؛ هموار کردن راه برای هموارتر رفتن، زودتر و خوب‌تر به مقصد رسیدن. هر کس نقد نپذیرد فضای تنفسی خود را تنگ کرده، فرصت بهتر دیدن را از خود سلب کرده و درهای بهشت تعالی را به روی خویش بسته است.

انسان مقبول و مطلوب - به تعبیر لطیف و زیبای امام حسین (ع) - کسی است که نه تنها نقدپذیر باشد بلکه «خویشتن‌نقدی» بداند و در خلوت به سنجه رفتار و گفتار خویش بپردازد و با تصحیح خویش، امکان تصحیح رفتار و گفتار دیگران را فراهم کند. دریغ است این سخن بشکوه و فرازمند و ترازمند را پیش روی شما فرهیختگان سخن‌آشنا نگشاییم و مرور نکنیم اما پیش از طرح کامل سخن سید شهیدان - که سید سخنان نیز هست - این مقدمه کوتاه گفتنی است که ما واژه «قبول»، این واژه آشنای درس و مدرسه، را در معنای پذیرفتگی و شایستگی به کار می‌گیریم و به شیوه کمی و کیفی، کرانه و مرزی قائل می‌شویم که هر کس بدان رسید «قبول» به شمار می‌آید اما امام حسین (ع) نشانه‌های قبولی و پذیرفتگی را این‌گونه برمی‌شمارد:

من دلائل علامات القبول: الجلوسُ الی اهل العقول، و من علامات اسباب الجهل المماراة لغير اهل الفكر و من دلائل العالم انتقاده لحدیثه و علمه بحقائق فنون النظر^۱.

از نشانه‌های پذیرفتگی و مقبولیت (رفتار و گفتار)، هم‌نشینی با خردورزان و اندیشه‌وران و از نشانه‌های نادانی کشمکش و مجادله و بگومگویی بیپوده با نابخردان و از نشانه‌های دانایان، نقادی، گفتار خویش و آگاهی از ظرائف و دقائق آرا و دیدگاه‌های دیگران است. راستی امام چه معیارها و ملاک‌های دقیقی برای ارزیابی خود و دیگران فرادست قرار داده است! با همین معیارها می‌توان پیشرفت یا پس‌رفت خود و دیگران را سنجید و شناخت.

نکته‌ای که تکیه‌گاه و مطمح نظر در این سخن نغز و ژرف است، «خودانتقادی» و نقد‌اندیشه و تراویده‌های بنانی و بیانی است.